

هو الأبهى - ای دمساز پُر نیاز، شیراز آوازه اش همیشه...

عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هو الأبهى

ای دمساز پُر نیاز، شیراز آوازه اش همیشه جهانگیر بود و شهناز مُرغ ادبیش بهفت اقلیم میرسید. چنانچه دیوان شعرایش در هر کشوری منتشر و فصاحت و بلاغت ادبایش در هر اقلیمی مُشتهر و بهر لسانی مترجم. گویند هوای شیراز فرح انگیز است و نشاط خیز چرا در چنین بهار مستمری که شرق و غرب را احاطه نموده و این ربیع بدیعی که بساط لطافت گسترده و بدایت این ربیع طلوع نیر آفاق نهایتش پانصد هزار سال مرغان چمن اگر در این بهار گل و سمن بنغمه و آهنگ نیابند در چه موسمی در شاخسار عرفان گلبانگ رحمان زنده و درس مقامات معنوی دهند. باری آن اقلیم موطن مُبشر عظیم بود و آن کشور مشرق آن کوکب منور باید شعله اش شدید باشد و نورش پدید شهابش ثاقب گردد و سهامش نافذ شمشیرش جهانگیر گردد و کوکبش مهر منیر. دریایش پر جوش بود و نهنگش پر خروش عینش نابع گردد و سراجش ساطع نسیمش جانبخش شود و تسنیمش روح بخش. جنود عرفانش طلایه فتوح گردد و جیوش ایقانش مؤید بملکوت ربّ و دود تا علم محبة الله بلند گردد و ارکان امرالله ارجمند اینست سزاوار آن مرغزار و اینست لائق آن دیار. فرصت غنیمت شمار تا توانی در این سبیل دواسبه بران و بمنزل مطلوب برس و شاهد مقصود در آغوش آور مبلغ نوزده قران که بان شخص محترم تسلیم نموده بودید رسید ع ع



ORIGINAL



AUDIO